

ماه تابان،
ابرهای سپید
گزیده اشعار لی بو
شاعر عصر تانگ چین

گردآوری و ترجمه از چینی
بی. پی. سیتون

ترجمه‌ی فارسی
مهرنام ربی

شعر جهان



موسسه‌ی انتشارات و کتاب

سرشناسه: سیتن، جروم، ۱۹۴۱ - م. Seaton, Jerome P.
 عنوان و نام پدیدآور: ماه تابان ابرهای سپید: گزیده اشعار لی پو شاعر عصر تانگ چین/گردآوری و ترجمه
 از چینی جی، پی. سیتن؛ ترجمه‌ی فارسی مهران محبوبی.
 مشخصات نشر: مشهد: بوتیمار، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س. م.
 شابک: ۳-۸۵-۰۴۰۴-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: Bright moon, white clouds : selected poems of Li Po, c. ۲۰۱۲
 موضوع: شعر چینی -- ترجمه شده به انگلیسی
 شناسه افزوده: لی، بایی، ۷۰۱ - ۷۶۲ م.
 شناسه افزوده: Li, Bai

شناسه افزوده: محبوبی، مهران، ۱۳۳۸ - مترجم
 رده بندی کنگره: PL۳۹۴ PL۹م۲ ۱۲۴۷۱/J
 رده بندی دیویی: ۸۹۵/۱۱۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۴۰۵۱۲

ما تابان، ابرهای سپید گزیده اشعار لی پو شاعر عصر تانگ چین

نویسنده: پی. سیتن

مترجم: مهران محبوبی

مدیر امور هنری: رضا حیات

ناظر کیفی: حسین فاضلی، داریوش معتمد

صفحه آرا: امیرحسین ذوالقدر

ناشر: انتشارات بوتیمار

امور چاپ: کسری

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۳-۸۵-۰۴۰۴-۶۰۰-۹۷۸

دفتر انتشارات:

مشهد، صندوق پستی ۱۵۵۳ - ۹۱۳۷۵

تلفن: ۵۱۳-۸۴۵۰۶۴۹

تهران، خیابان کارگر شمالی

نرسیده به بلوار کشاورز،

بن بست گیتی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۹۰۰۷۴۸



موسسه‌ی انتشارات بوتیمار



btmpub@gmail.com



instagram.com/btmpub

همراه: ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸ - ۰۹۱۶۷۸۳۱۲۶۸

حق چاپ محفوظ است

فهرست

۱۱	 دیاجه
۴۱	 بخش نخست
۴۲	 نوشتارش با همدم خلوت نشین در کوهسار
۴۳	 بلرودها در میخانه‌ی جین-لینگ
۴۴	 باده بیار!
۴۷	 ششم: راه باده‌ای که گویی هرگز آمدنی نبود
۴۸	 حکامه‌ی شیانگ-یانگ
۵۱	 پس از مستی، سه پیمانه‌ی کوچک برای عموزاده‌ام صاحب منصب کبیر
۵۳	 اییاتی در میانه: راه
۵۴	 مست و غرور، رزده شده در عمارت کلاه فرنگی وانگ-هان-یانگ
۵۵	 دو چکامه برای جشنواره‌ی بایز
۵۷	 آداب رثای جی، استاد پیر، بهجوساز کبیر شوانگ چنگ
۵۸	 نو بهاران، من از خلوتگاه دیر: همار در کاجستان، به خانه می‌آیم
۶۰	 چکامه‌ی شیانگ-یانگ
۶۳	 بخش دوم
۶۴	 برای وانگ لون
۶۵	 بدرقه‌ی دوستی رهسپار شو
۶۷	 یکه و تنها بر صخره-رودنهر زلال می می افشدم، و بعضی ای فرستادن به جوان
۶۹	 جانو-یی می‌سرایم
۷۱	 ادای احترام به منگ، بزرگ‌ترین تمامی استادان
۷۲	 بدرقه‌ی منگ هائو ران در برج درنای زرد
۷۳	 بدرقه‌ی رفیقم هو، در عزیمت دوباره به جنوب
۷۵	 مطایبه‌ای به بهای آبروی رفیق شفیقم، جنگ لی-یانگ
۷۷	 ریشخند وانگ لی-یانگ
۷۹	 پاسخ به استاد انجمن بودایی هو-جو که از احوال «این مردک لی بو» پرس و جو
۷۷	 نموده است
۷۹	 بدرقه‌ی فان، مرد کوهستان، در بازگشت به کوه تای
	 بدرقه‌ی سرکار خاتم استاد دائو در کنار رودخانه که با سه هدیه‌ی ارجمند رهسپار

- ۸۰..... قتل مقدس جنوب است
- ۸۱..... ضیافت در حضور جنگ تسان-جینگ در برکهای کوهستانی اش
- ۸۳..... در پای کوهسار جونگ-تان و شبی همنشین باده در خانه‌ی هوسو
- ۸۵..... سه، پنج، هفت کلام
- ۸۶..... بدرقه‌ی دوستی، بازگشت به وو، و از نو شراب، در اندیشه‌ی هو جیه-جانگ
- ۸۷..... جدایی در دروازه‌ی خارپوش
- ۸۸..... شبی با دوستی
- ۸۹..... دستخوش امواج دریاچه‌ی کوهسار کلاغ زاغی با دوست فرمانروا
- ۹۱..... در اندیشه‌ی کوهستان خاوری
- با شنیدن خبر تنزل مقام وانگ چانگ-لینگ و نفی بلد او به دماغه‌ی ازدها، این را
- ۹۳..... سرودم به راه دور و دراز وی فرستادم
- ۹۴..... از رخصت شهر در تپه‌ی شنی، نامه‌ای به دو قوی سخن سرا
- ۹۶..... شعر را در دهان دانه‌ی برنج، برای دو قوی شاعر
- ۹۷..... تقدیم به حبیب صلب لو
- ۹۸..... در پاسخ به درخت ناری بناب تسویی
- ۱۰۰..... برای تسویی چیهو
- ۱۰۳..... برای بانویی که در میانه‌ی اسب‌ها کردم
- ۱۰۵..... بخش سوم
- ۱۰۶..... پرسش و پاسخ در کوهساران
- ۱۰۷..... به سبک کهن: چهره‌ای دلربا
- ۱۰۹..... به سبک کهن: رویای جوانگ دزو
- ۱۱۱..... میهمانی وداع با عمویم، یون نسخه‌خوان، در عمارت کلاه فنگی شیو تیانو
- ۱۱۳..... چکامه‌ی جاده
- ۱۱۵..... خود را سر به نیست می‌کنم
- ۱۱۶..... محاکات قدما
- ۱۱۷..... خزان زده روحم، پاییزی قلبم
- ۱۱۹..... تنها نوشی در زیر نور ماه
- ۱۲۴..... نظاره‌ی آینه و سرودن مکنونات قلبی‌ام
- ۱۲۶..... دوباره بر قلبم سنگینی می‌کند
- ۱۲۷..... سراسر کوهستان را در پی راهب نگرستم، ولی او را نیافتم و این را سرودم
- ۱۲۹..... کوهستان تونگ گوان: چهار پاره‌ی سرمستانه

- دیدار با استاد دانو در کوهستان نای‌تی بن هنگامی که او غائب بود ۱۳۰
- مراقبه در کوهسار مقدس ۱۳۱
- تأملات شبی آرام ۱۳۲
- بخش چهارم** ۱۳۳
- تقدیم به یگان خاقان، شعری سروده در کنار برکه‌ی ازدها در باغ بهاری، در هنگام
تماشای پیدئان سرسبز و گوش سپاری به صد‌ها چهچه‌نوی نخستین هزاران ۱۳۴
- شبی بهاری در لوبانگ، گوش سپرده به نوای نی لبیک ۱۳۷
- چکامه‌ی آبتنی ۱۳۸
- به سبک کهن: ته رنگ ماهتاب ۱۳۹
- به سبک کهن: صعود از بلندی ۱۴۰
- ماه بر فراز گذرگاه ۱۴۱
- نبرد در جنوب در بزرگ ۱۴۳
- چکامه، وداع در نگاه سرخ ۱۴۶
- تصنیف سرباز ۱۴۸
- نبرد در جنوب در بزرگ ۱۴۹
- اشک‌های پلکان یشم ۱۵۱
- سوگلی پادشاه وو، خردگر اندکوست ۱۵۲
- دزو به: تصنیف‌های چهار فصل ۱۵۴
- چکامه برای سنگ گا ۱۵۷
- چکامه‌ی دختر با ۱۶۰
- دو تصنیف از چانگ گان ۱۶۱
- شب مانی در دامنه‌ی کوهسار پنج کاج بُن در خانه‌ی نو، بیوه زن ۱۶۶
- بخش پنجم** ۱۶۹
- شبی در دریاچه‌ی میگو ۱۷۰
- دشخوار راهی است جاده‌ی شو ۱۷۲
- ماه کوهسار آه بی ۱۷۶
- در مسیر جیان-لینگ ۱۷۷
- صعود از پنج تارک کهن کوهسار لو ۱۷۸
- محو تماشای کوهسار دروازه‌ی بهشت ۱۷۹
- حواصیل ۱۸۰
- به سبک کهن: رود زرد ۱۸۱

به شیوهی قدما
چکامه‌ی ابرهای سپید: وداع با دوست
محو تماشای آبشارهای لوشان
به سبک کهن: به جزیرک پای کوهسار ووشان رسیدم
صعود به ستیغ کوهسار بزرگ سپید
بر فراز کوهسار مادر پیر فلک در رویا، در ضیافت وداع
من از گوزنی سپید در کنار پرتگاه خاکی پاسداری می‌کنم و تنها زمانی که به سراغ نامدارترین کوه
می‌روم بر آن سوار می‌گردم.
شبی با ارباب خانه‌ی نهر زلال
معملاً تارک کوه
تستیف مسافر دریاگرد
بود از برج شین‌بینگ
به سبک کهن: به ساحل غرب، بر فراز کوهسار نیلوفر آبی
جویبار زال و نیم‌شان، نوای نی لبک را می‌شنوم
چکامه‌های حلیج کاپائیز

این ترجمه‌ای است از شعر، اشعاری چنان‌که جاودانه‌شان بخوانیم، آن‌سان که سراینده‌ی آن، لی بو، شاعر چینی قرن هشتم میلادی بود. لیکن این دفتر به هیچ وجه بزرگداشت هیچ گونه «جاودانگی» نیست. اجازه دهید آن را شب زنده داری بنامیم و از شما دعوت کنیم تا در گرامیداشت شادمانه‌ی آثار حیات این مرد بغرنج به ما بماند.

لی بو در سال ۷۰۱ میلادی زاده شد. او سه متر قد نداشت، ولی بنابر افسانه‌ها در حد نردبان بلند بود. در مناطق مرزی شمال شرقی کویر چین، جایی در استان امروزی گان-سو^۱، مذاهب بسیاری همچون رقابت بودند. گسترش شریعت جدید محمد (ص) دلیل مهاجرت‌ها به چین بود، و آن مهاجران نوین نیز مذاهب بسیاری را با خود آوردند. پس نمی‌توانیم از دانستن این که بنا به افسانه‌ای نطفه‌ی لی بو به طور معجزه آسایی بسته

-
1. Li Po
 2. Kan-su

شد و به دست روح سیاره‌ای که در چین به تای بو^۱ مشهور است، ستاره‌ی صبحگاهی، سیاره‌ی ماناهید (زهره، ونوس^۲)، زایانده شد بیش از حد متحیر گردیم. لی بو در واقع به نام لی تای بو نیز معروف است. شاید، کمی واقع بینانه‌تر، خود ادعای لی بو چنین باشد. شاعر ما خوش داشت که خود را از اخلاف نیای خاندان امپراطوری تانگ^۳ قلمداد کند، مردی به نام لی^۴. آن مرد لی ار^۵ بود که لی دان^۶ نیز شناخته می‌شد، یا معروف‌تر از آن لائودزو^۷ (لائوتسه)، «فیلسوف کهنسال». در جناس و ایهامی چند سطحی لائودزو به معنای «زاد کهنسال» است. بر خلاف «خلف» خود لی بو فیلسوف کهنسال که بنیان‌گذار دودهی خاندان لی و نیز نگارنده‌ی کتاب لائودزو (لائوتسه) است، که آن مرد دقت پس از رسیدن به سن هفتاد سالگی از زهدان زاده شده است: پس «زاد کهنسال» آنی است که خرد دوران را با صداقت و سادگی کودک زبان بسته همراه می‌پیوندد. لائودزو، تحت اجبار، تمامی خرد خود را در کتاب واحد با که بر از پنج هزار واژه نگاشت که به نام دائوده جینگ^۸ یا آیین طریقت و فضیلت بر آوازه شد. تمامی این اطلاعات شرح حال گونه در مورد مردی به نام لائودزو چنانچه به خاطر این واقعیت نبود که لی بو امروزه و برای هزار سال، به سوسیالیزم مبلّغ شعری پیشتاز دائوی لائودزو، طریقت او یا «فلسفه» اش به حساب می‌آید، و صله‌ای ناجور بود. در اقدامی حرفه‌ای که در زمان او نامرسوم نبود، چند که از

1. Tai Po
2. Venus
3. Tang
4. Li
5. Li Er
6. Li Tan

۷. Lao Tzu یا همان Lao Tse (لائوتسه): پایه گذار مکتب عرفانی دائونیسیم (تائونیسیم) که آیین پرستش طبیعت و ارواح نیاکان و جادو و عرفان می‌باشد.

8. Tao Te Ching

نظر دلدادگان معاصر دائوئیسم وی به نحو عجیب و غریبی غیر دائوئیستی به نظر آید، او حتی صاحب مرتبتی در این مسلک شد. لی بو فراتر از حدّ ذهن خوانندگان خود، مردمانی که از او افسانه‌ای زنده و خدایی فراسوی مرگ ساختند، باده نوشی کرد و خنیاگری نمود و با نغمه‌ی دائو ده جینگ نرد عشق باخت.

این که خاندان سلطنتی در نام خانوادگی با او شریک بود مایه‌ی آسایش زندگی آن نوزاد شد: لی نام خانوادگی فوق‌العاده مرسوم در سلسله تانگ بود در قرن بیست و یکم میلادی رایج‌ترین در میان تمامی چینیان است. افرادی شکاری و بی‌خوشاوندی با خاندان سلطنتی اند، که اندکی شان از پایمردی فداکارانه و کامیابی آشکار لی بو بهره‌مندند.

اگر از پذیرش افسانه‌ای پیرامون زادن و زندگی اولیه‌ی لی بو بپرهیزیم، باز هم تا حدّی چیزهای از او می‌دانیم. بسیار محتمل است که لی بو در پهنه‌های بیرونی امپراطوری زاده شده و فرزند «آدمی بی‌نام و نشان» یا محکوم به تبعید یا مقامی خرد پا به پای رافعی، هر چند اندک، نسبت به خویشاوندی با خاندان سلطنتی بزرگ‌ترین امپراطوری چین، تانگ (۹۰۵-۶۱۸ میلادی) باشد. مضامین تربیت اولیه‌ی او چنین می‌نمایند که احتمالاً وی در صومعه‌ای دائوئیستی پرورش یافته و یا حداقل آموزش دیده است. یا چه بسا نوجوانی بوده با اندامی غول‌آسا بنا به عقیده‌ی مردم که زمانی که پیشه‌ی نافرجام شوالیه چینی ماجراجوی رابین هود وارش به سرانجام نرسید هشت گامی‌اش سیر قهقرایبی یافته به کمک راهبی در چنین مکانی پناهنده شده است. ظاهراً نامحتمل‌تر بودن از افسانه‌ی شمشیر زن بودن او (که خود دوست دارد آن را ترویج نماید) این داستان است که او از استادی

دیگر پیشه‌ی تربیت پرندگان را آموخته و چون انس با وحوش (چنان که فرانسیس قدیس^۱ همین ماجرا را با پرندگان داشت) نشانه‌ی خلوص روحی قلمداد می‌گردد، مقامی دولتی در کنار استادش به او اعطا شده است.

چنان چه خود را به موارد مبتنی بر واقعیت محدود سازیم، در واقع قادر به آگاهی از چیز واقعاً مشخصی از لی بوی کبیر نمی‌گردیم. زیرا که در مورد مردی که در سراسر عالم به مثابه‌ی یکی از دو شاعر بزرگ چین محسوب شده است، تنها چند بند در باب زندگی‌نامه‌اش در تاریخچه‌ی رسم^۲ - سلسله تانگ محفوظ مانده است. اما هرچه تواریخ رسمی در مورد او میرند، سسانه پردازی در باب او غنی است و هر چند بخشی از آن لحن خاصی دارد، اکثر آن داستان منطقی چنان استوار و رهگشایی است که من حاضرم با سبقت به‌ای آمیخته از واقعیت، تخیل و آرزوها و خیالات مردمی را ارائه کنم.

راه دیگر محتمل‌تر دامیاب^۳ او ممکن است همان راه شایسته سالاری چین باشد. دستگاه اداری سلسله تانگ مقام‌های رسمی را در دولت مرکزی - مقام‌های قدرت واقعی را - بیشتر بر اساس شایستگی پرمی کرد تا رابطه‌ی خونی با حاکم مطلق و شاه و خاقان. این از سوزنا در چین در حدود سال ۱۰۰ پیش از میلاد، در دوران سلسله‌ی هان^۴ آغاز شد و در عصر تانگ به اوج خود رسید. هم ژزوئیت^۵ ها و هم یارشان رتر^۶ چنین نظامی را در قرن هیجده میلادی به مثابه‌ی سوپاپ اطمینان ساختار اجسمای متعجر اروپا توصیه می‌کردند که به زودی می‌بایست توسط امواج خون اشرافی منقرض می‌شد. در ایالات متحده آمریکا، آزمون‌های اداری تا سال ۱۸۸۵ پانگرفتند.

1. Saint Francis

2. Han

3. Jesuits: ژزوئیت‌ها با یسوعیان فرقه‌ای کاتولیک بودند که در ۱۵۲۴ بنیان گذاری شد.

4. Voltaire

آزمون‌های دستگاه اداری چین به کندی گسترش یافت. ولی در آن دوره‌ی بنیادی، یعنی عصر زرین دودمان تانگ، قویاً از سوی امپراطریس وو^۱ که خود را فرمانروا خواند تقویت شدند و به نحو خردمندانه‌ای به دست جانشین او، شوان دسونگ^۲، خاقان لی بو، که از ۷۱۲ تا ۷۵۶ میلادی فرمان راند ادامه یافت، همو که در نتیجه‌ی بسیاری از دستاوردهایش به مینگ هوانگ^۳، «خاقان روشن ضمیر یا درخشان»، شهره است.

واقعیتی که برای آموزش لی بو و شکوفایی بعدی او به مثابه‌ی شاعر^۴ ذوق الهامه حائز اهمیت بود این بود که حامیان مردان جوانی که در آزمون‌ها به موفقیت دست یافته بودند خود توسط دولت در سطح بالایی پاداش دریافت می‌نمودند که هم شامل اعتبار بود و هم هدایای مادی. بنابراین، هرچه که افسانه‌ها نقل کنند لی بو به احتمال بسیار قوی از سن خردسالی به سبب استعداد خود توسط یک سکوتی دانا تیمار یافته و زیر بال و پرش گرفته شده بود. چنانچه هر بانای باهوش و زیاده‌خواه ترفندی سزاوار اشتغال بود (هر چند نه به مثابه‌ی مقام دولتی). سرانجام که افسانه‌های عامیانه حاکی از آن باشند)، سرودن شعر و پرداختن نثر کهن، در نو جوانی وی را به عنوان پیشگامی بالقوه شاخص نموده و نیز حامی‌اس را نه لایق پاداش ساخته است.

مهم‌ترین همه‌ی آزمون‌های دستگاه اداری، آزمون چین شیه^۵، کاملاً بر اساس توانایی سرودن شعر موزون بود. مضمون شعر آزمون درست بود، و گاه حتی سیاست جاری، و «قلق کار» آن بود که بتوان پاسخ خود را

1. Wu

2. Hsuan Tsung

3. Ming Huang

4. Brilliant Emperor

5. Chin Shih

به سبک شعری فوق‌العاده دشوار موسوم به «لوشیه» یا شعر موزون داد که زبانی آکنده از تلمیح و اقتباس بود که عملاً می‌بایست به زبان رمز می‌بود. برنده غالباً مردی بود که قادر بود در عالی‌ترین سطح به نقش رهبری گام بگذارد. برندگان جایزه‌ی شایسته‌ی سالاری به طور مادام‌العمر از مالیات و مالیات بر مشاغل دولتی معاف می‌شدند و کسی هرگز نمی‌توانست آنها را تحت مجازات جسمی قرار دهد: مردان بسیاری (البته جایی برای ارائه درخواست شرکت در آزمون از سوی زنان نبود) که سطح جین شیه را از سر می‌گشودند، به مناصب اداری سطح بالایی می‌رسیدند و به عنوان مزایا معمولاً از طریق وصلت با اعیان و اشراف هم پیمان می‌شدند.

در سراسر چین، به تنهایی مردان جوان، بلکه اطرافیان ایشان، همگی از این امر آگاه بودند. حتی در یک جامعه‌ی طبقاتی که تازه آغاز به دیدار تغییر کرده بود، مردان طبقه‌ی متوسط و حتی پایین‌تر، و بسیاری از زنان ایشان، که بیش از آن که ما انتظار داریم، به یاد بودند، رفته رفته به شدت تحت تأثیر افکار ذاتی شایسته‌ی سالاری در نظام آزمون‌ها قرار گرفتند.

در نتیجه‌ی پاداش‌های تقریباً هنگفت مرتبط با پذیرش در حتی سطوح پایین‌تر آزمون‌ها، خانواده‌های مرفه اغلب نا‌آشنا که دانش‌آموزان خوش آتیه را به فرزندپذیری قبول کنند پیش می‌رفتند، جوانان با تربیت‌های فکری و پویایی جهت هم کار شاق مطلق و هم خلاقیت، به نوعی در خلاقیت شعری که لی بو از خود نشان داد. به هر تقدیر، زمانی بین سنین پنج و بیست سالگی، لی بو استعداد شعری خود را کشف کرد و یا شعر و شاعری او را کشف نمود. به طور قطع زمانی که به بیست و پنج سالگی رسید در دانش قدما که هسته‌ی آزمون‌های پایین‌تر را تشکیل می‌داد

به استادی رسیده بود و نیز همچنین شاعری با قریحه و تسلط رو به رشد بود. شاید یک میلیون دلیل در میان باشد که چرا لی بو، بر خلاف تقریباً هر مردی که از سوی همعصرانش شاعر همپایه‌ی او محسوب می‌شد، حتی نتوانست در امتحانات شرکت جوید. چه بسا دریافته بود که آنها، در اوج شکوفایی او، فاسد هستند؛ شاید پر مشغله بود، یا در میکده‌ای در انتهای کوچه‌ای در خواب بود. با این حال، آزمون‌ها به طور قطع بخشی از انگیزه او در مطالعاتش در سنین کودکی بودند.

به در حال، سرانجام در وقت مقرر، چنین رخ داد که لی بوی جوان سفری به الب راجه داد و دشوار شو^۱ (نگاه کنید به شعر «دشخوار راهی است جاده‌ی شه»^۲ در سفری دریاگردی بر روی رودخانه مهیج یانگ-تسه^۳ انجام داد (چنان که شاید در شعر فوق‌الذکر دیده شود که اگر نه این سفر نخستین را، بلکه یکی از همان سفرها را در مسیر رود، رودخانه‌ی بلند، توصیف می‌کند، سفری که آرچند به او توصیفات بر می‌آید، هرگز کاری یکنواخت نگریدید). چنین بود که لی بو به مناط گوناگون شرق چین پدیدار شد. به محض رسیدن به آن خطه‌ها، رفتار شاید رهن چاپلوسانه‌ای را برای خود و شعرش در میان مردمانی آغاز نمود که قادر و دانا هم به او و هم به شعرش کمک کنند. در نهایت، به اتکای «توقعاتش»، از «واج» خوبی^۴ کرد و به خانه‌ی خانواده‌ی همسرش نقل مکان نمود. ولی همسرش پس از دو فرزند، لی بوی بی کسب و کار را با شعرپردازی سرمستانه‌اش ترک گفت، و شاعر آشکارا از قوم و خویش همسرش روی خوشی ندید. این امر با آن همه «عمو زاده و دایی زاده» که آماده بودند چنین میهمان «پیر آوازه‌ای» را به رخ دیگران بکشند چندان از سرعت او نکاست.

1. Shu

2. Yang-tse